



Article Type: Research paper

Relations between the Islamic Republic of Iran and the United Arab Emirates: From Cooperation to Competition

*Seyed Hamzeh Safavi¹, Seyed Ali Nejat²

1. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
2. PhD student in Regional Studies, Middle East orientation, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran.

Article Info.

Received: 8/10/2025

Accepted: 10/1/2026

Available Online: 18/6/2026

Keywords:

Iran; United Arab Emirates; Interdependence; Geopolitical Competition; Constructivism.

* Corresponding Author:

Dr. Mojtaba Maghsoudi

Address: Professor Political Science, Faculty of Law and Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail:

Sa.nejat@UTAC.IR

Abstract

Over the past five decades, Iran-UAE relations have been complex and dispute-ridden, peaking in political confrontation and security tensions between 2016 and 2020. Tensions eased with the new U.S. administration and Iran's thirteenth government in 2021. This descriptive-analytical study uses library sources to explore medium- and long-term scenarios: cooperative Kantian relations, managed Lockean competition, or escalating Hobbesian hostility risking direct military conflict. Findings suggest managed competition is most probable, as confrontation is too costly and structural rivalries prevent deep convergence. Both states will likely balance rivalry with limited cooperation to maintain stability and protect national interests, reflecting the ongoing interplay of domestic, regional, and global factors.

How to Site:

Safavi, Seyed Hamza and Nejat, Seyyed Ali. (2025). Relations between the Islamic Republic of Iran and the United Arab Emirates: From Cooperation to Competition. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World* 7(4) 60-87.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

روابط جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی: از همکاری تا رقابت

* سید حمزه صفوی^۱، سیدعلی نجات^۲

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۶ مهر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۰ دی ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۲۸ خرداد ۱۴۰۵

چکیده

روابط میان جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی طی پنج دهه اخیر تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با پیچیدگی‌های فراوان و روندی بسیار متغیر و اغلب متنازع همراه بوده است. دوره ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ از حیث شدت تقابل سیاسی، دیپلماسی خصومت‌آمیز و اختلافات سرزمینی و امنیتی، نقطه عطف تنش‌ها میان تهران و ابوظبی محسوب می‌شود. اما شدت خصومت و تنش‌های سیاسی بین ابوظبی و تهران اوایل ۲۰۲۱ و پس از آغاز کار دولت دموکرات در آمریکا و تشکیل دولت سیزدهم در ایران به‌طور محسوس کاهش یافت. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تبیینی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی است که آینده روابط ایران و امارات در میان مدت و بلند مدت چه الگوهایی را می‌تواند ترسیم کند؟ فرضیه پژوهش در قالب سه الگو طرح شده است: اول، الگوی روابط دوستانه و همکاری جویانه با برتری فرهنگ کانتی؛ دوم، رقابت مدیریت‌شده با غلبه فرهنگ لاکو؛ و سوم، تشدید خصومت، تنش فزاینده و غلبه فرهنگ هابزی که با فعال شدن متغیرهای امنیتی و ژئوپلیتیک، امکان صعود به سوی رویارویی مستقیم و نظامی وجود دارد. این سناریو می‌تواند هزینه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی بر دو طرف تحمیل کند و معماری امنیتی خلیج فارس را به سمت بی‌ثباتی فزاینده سوق دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی رقابت مدیریت‌شده، محتمل‌ترین حالت آینده روابط ایران و امارات است. زیرا از یک‌سو هزینه رویارویی مستقیم بسیار بالاست و از سوی دیگر موانع ساختاری و رقابت‌های ژئوپلیتیک مانع شکل‌گیری همگرایی سیاسی استراتژیک بین دو کشور خواهد شد.

کلیدواژه‌ها:

ایران، امارات متحده عربی،
وابستگی متقابل، رقابت
ژئوپلیتیک، سازه‌انگاری.

* نویسنده مسئول:

دکتر سید حمزه صفوی
نشانی: استادیار گروه مطالعات
منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم
سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
پست الکترونیک:
Sa.nejat@UT.AC.IR

استناد به این مقاله:

صفوی، سید حمزه و نجات، سیدعلی. (۱۴۰۴). روابط جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی: از همکاری تا رقابت. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام* ۷(۴): ۶۰-۸۷.

۱. مقدمه

روابط ایران و امارات متحده عربی یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین روابط دوجانبه در حوزه خلیج فارس محسوب می‌شود؛ روابطی که در طول پنج دهه گذشته ترکیبی از هم‌پوشانی‌های اقتصادی گسترده و تنش‌های ژئوپلیتیکی عمیق بوده است. این رابطه نه می‌تواند به‌طور کامل در قالب همکاری و نه در قالب خصومت صرف تعریف شود، بلکه واجد ویژگی ابهام‌راهبردی است؛ بدین معنا که هم‌زمان عناصر تعارض و تعامل در آن حضور دارد.

منازعه بر سر جزایر سه‌گانه بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک از سال ۱۹۷۱ تاکنون به عنوان مهم‌ترین بُعد اختلافی در روابط دو کشور باقی مانده و به‌طور مستمر در گفتمان سیاسی امارات بازتولید شده است. در مقابل، ایران این جزایر را بخش جدایی‌ناپذیر قلمرو ملی خود دانسته و هرگونه ادعا در این خصوص را مردود می‌شمارد. استمرار این اختلاف ارضی موجب شده است که بی‌اعتمادی ساختاری همواره در سطح روابط سیاسی دو طرف حضور داشته باشد.

با وجود این، روابط ایران و امارات به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ تاکنون، شاهد نوعی وابستگی متقابل اقتصادی بوده است. امارات متحده عربی، و به‌ویژه امارت دبئی، به مهم‌ترین کانون تجارت خارجی ایران تبدیل شده است. شبکه‌های مالی و تجاری گسترده میان دو کشور به ایران این امکان را داده که حتی در شرایط تحریم‌های گسترده بین‌المللی، مسیرهایی برای تداوم مبادلات اقتصادی خود بیابد. این وابستگی اقتصادی، کارکردی دوگانه داشته است: از یک‌سو، مانع از فروپاشی کامل روابط و تشدید بحران شده و از سوی دیگر، به ایران فرصت داده است تحریم‌ها را تا حدودی بی‌اثر کند؛ امری که نگرانی‌های غرب و حتی برخی شرکای منطقه‌ای امارات را برانگیخته است.

از منظر منطقه‌ای، روابط ایران و امارات در بستر رقابت ژئوپلیتیکی گسترده‌تر ایران و شورای همکاری خلیج فارس قرار دارد. ابوظبی همواره نسبت به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران، به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و نقش آفرینی تهران در تحولات سوریه، عراق، لبنان و یمن، ابراز نگرانی کرده است. جنگ یمن نقطه اوج این نگرانی‌ها بود، زیرا ایران با حمایت از جنبش انصارالله، عملاً در حیاط خلوت امنیتی امارات متحده عربی و عربستان سعودی نفوذ پیدا کرد. هرچند امارات در مراحل بعدی جنگ، سیاستی متفاوت از ریاض اتخاذ و تمرکز خود را به جنوب یمن معطوف کرد، اما همچنان نگاه امنیتی ابوظبی به تهران، نگاهی تهدیدمحور باقی مانده است.

در سطح بین‌المللی نیز روابط دو کشور به شدت تحت تأثیر متغیرهای بیرونی بوده است. ایالات متحده آمریکا به عنوان متحد امنیتی کلیدی امارات، بارها این کشور را تحت فشار قرار داده تا روابط اقتصادی خود با ایران را محدود کند. با این حال، واقعیت‌های ژئواکونومیک و نیازهای بازار داخلی امارات، موجب شده است که ابوظبی ناگزیر به حفظ سطحی از همکاری با تهران باشد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که چشم‌انداز آینده روابط ایران و امارات در میان مدت و بلند مدت چگونه است؟ فرضیه پژوهش در قالب سه الگوی روابط همکاری جویانه، رقابتی و تنش‌زا طراحی شده است. اول، الگوی روابط دوستانه و همکاری جویانه با برتری فرهنگ کانتی؛ دوم، رقابت مدیریت شده با غلبه فرهنگ لاکه؛ و سوم، تشدید خصومت، تنش فزاینده و غلبه فرهنگ هابزی که با فعال شدن متغیرهای امنیتی و ژئوپلیتیک، امکان صعود به سوی رویارویی مستقیم و نظامی وجود دارد. با این حال الگوی رقابت مدیریت شده محتمل‌ترین حالت آینده روابط ایران و امارات است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با روابط جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی عمدتاً در سه حوزه متمرکز بوده‌اند: نخست، ریشه‌های تاریخی و حقوقی مناقشه بر سر جزایر سه‌گانه؛ دوم، تحولات الگوهای اقتصادی و تأثیر تحریم‌ها؛ و سوم، مسائل امنیتی و تأثیر سیاست‌های منطقه‌ای بر موازنه قدرت. در حوزه تاریخی، جالینوسی و رستمی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی موضع رسمی ایران در قبال ادعاهای امارات پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که ضعف دولت مرکزی ایران در دوره انقلاب مشروطه و درگیری‌های داخلی، مانع از واکنش مؤثر ایران به اقدامات بریتانیا و جلوگیری از تسلط شارجه بر جزایر سه‌گانه شد.

در حوزه اقتصادی، محبوب الزویری و نائل ابوشرار (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «تجارت ایران با کشورهای همسایه: تأثیر تحریم‌ها و جایگزین‌ها» نشان داده‌اند که سیاست فشار حداکثری آمریکا در دوره دونالد ترامپ، الگوهای تجارت خارجی ایران را دگرگون کرد. گرچه امارات شریک تجاری کلیدی ایران در منطقه بوده، اما تبعیت ابوظبی از تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی، به کاهش چشمگیر مبادلات تجاری دوجانبه پس از سال ۲۰۱۸ منجر شد و صادرات و واردات ایران به/از امارات روند نزولی یافت.

در حوزه امنیتی، عباسی و چهارمحالی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «روابط امارات با اسرائیل در پرتو قرارداد ابراهیم و تأثیر آن بر روابط همسایگی با ایران» استدلال می‌کنند که تقویت روابط ابوظبی با تل‌آویو، ایران را با چالش‌هایی در زمینه موازنه تهدید و کاهش نفوذ سیاسی منطقه‌ای مواجه کرده است. حضور اسرائیل در خلیج فارس می‌تواند بدگمانی‌ها را تشدید کرده و به بسیج منطقه‌ای علیه منافع امنیتی ایران منجر شود.

در زمینه سیاست خارجی امارات، نجات (۲۰۲۲) در مقاله «پویایی سیاست خارجی امارات در بحران‌های منطقه‌ای» بیان می‌کند که عواملی نظیر هزینه‌های بالای سیاست خارجی تهاجمی، تهدیدات امنیتی، تبعات اقتصادی همه‌گیری کرونا، کاهش درآمدهای نفتی و رکود گردشگری، ابوظبی را به تغییر رویکرد از الگوی «اسپارت کوچک» (سیاست خارجی تهاجمی و نظامی‌گرا) به مدل «سنگاپور خاورمیانه» (تمرکز بر توسعه اقتصادی، مدیریت منابع و دیپلماسی متوازن) سوق داده است.

با وجود غنای این مطالعات، شکاف‌های پژوهشی مهمی همچنان باقی است: نخست، فقدان تحلیل‌های تلفیقی که متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را هم‌زمان بررسی کنند؛ دوم، عدم مطالعه نظام‌مند روندهای تنش‌زدایی اخیر بین تهران و ابوظبی، از جمله بازگشت سفرا و دیدارهای مقامات ارشد در بازه ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵؛ و سوم، کمبود تحلیل‌های منسجم درباره ارتباط سیاست خارجی و متغیرهای اقتصادی امارات. نوآوری این پژوهش در سه محور است: ۱) بهره‌گیری از تحلیل سه‌سطحی برای بررسی هم‌زمان متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ۲) تمرکز بر تحولات اخیر سیاست خارجی امارات، به‌ویژه گرایش به تنش‌زدایی و تقویت تعاملات دیپلماتیک با ایران؛ ۳) ارائه چشم‌اندازی آینده‌نگر از روابط دو کشور. بدین ترتیب، این پژوهش تلاش می‌کند تصویری جامع، واقع‌گرایانه و آینده‌نگر از روابط ایران و امارات ارائه دهد.

۳. چارچوب نظری؛ فرهنگ‌های سه‌گانه همکاری، رقابت و منازعه الکساندر ونت

نظریه سازه‌انگاری از جدی‌ترین مکاتب معرفت‌شناسی است که با وجود ریشه‌های فلسفی دیرینه، در نیمه دوم دهه پایانی قرن بیستم و نیمه اول دهه نخست قرن بیست‌ویکم مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. سازه‌انگاری در عرصه روابط بین‌الملل مدعی است که مؤلفه‌هایی مانند ساختار قدرت، هویت‌ها و منافع دولت‌ها نه ناشی از نیروهای مادی صرف، بلکه برساخته تعاملات اجتماعی‌اند؛ یعنی محصول کنش، گفتگو و معناهای مشترک میان بازیگران بین‌المللی،

نه روندهای پیش فرض و ثابت. این دیدگاه با رئالیسم و لیبرالیسم تفاوت بنیادی دارد؛ زیرا آن‌ها بر ساختارهای نهادی، منافع ثابت یا تحولات مادی تأکید می‌کنند، اما سازه‌انگاری معتقد است که ساختارها، هویت‌ها و منافع، خود ساخته و پرداخته فرآیندهای جمعی‌اند. سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل به اشکال مختلفی تقسیم شده است. کلوتز و لینچ بر این باورند که علی‌رغم اشتراک در مبانی هستی‌شناختی، رویکرد نظری سازه‌انگاری از منظر معرفت‌شناسی به دو شاخه مدرن و پست‌مدرن تفکیک می‌شود (Klotz and Lynch, 2006: 358). سازه‌انگاران مدرن خود به دو طیف تقسیم می‌شوند: سازه‌انگاران سیستمی (ونت) و سازه‌انگاران کل‌نگر.

سازه‌انگاران سیستمی، به ویژه الکساندر ونت، با پذیرش برخی آموزه‌های نئورئالیسم درباره ساختار، بر این باورند که هویت دولت بر منافع آن تأثیر می‌گذارد و سپس این منافع بر کنش‌ها اثر می‌گذارد. آن‌ها میان «هویت جمعی» (ویژگی‌های داخلی، مادی و ایدئولوژیک) و «هویت اجتماعی» (معناهایی که بازیگر برای خود قائل است) تمایز قائل‌اند. نقدهایی که به این رویکرد وارد شده، گاه به فقدان تحلیل هنجاری و تمرکز بر ایده‌های مشترک معطوف است، که آیا واقعاً چنین فرهنگ‌های هنجاری مشترکی وجود دارند یا خیر (Smith, 1995: 268).

الکساندر ونت، نمایان‌ترین نمونه رویکرد نظری سازه‌انگاری سیستمی است. او معتقد است که همکاری یا منازعه میان دولت‌ها بسته به هویت‌هایی است که این دولت‌ها برای خود تعریف کرده‌اند. هویت، در سازه‌انگاری، مفهومی بنیادی در هستی‌شناسی است؛ زندگی اجتماعی، شامل باورها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، هنجارها و تعاملات، ساخته و پرداخته است و نه آن که هویت‌ها از قبل داده شده باشند. هویت در مواجهه «خود - دیگری» شکل می‌گیرد و در این فرایند است که منافع و ترجیحات دولت‌ها متبلور می‌شوند (Moshirzadeh, 2005: 349).

ونت همانند والتز نظام بین‌الملل را آنارشی می‌داند، اما با یک تفاوت کلیدی: برخلاف والتز که آنارشی را یک ساختار غیرقابل تغییر و از پیش تعریف‌شده تلقی می‌کند، ونت آنارشی را فاقد منطق واحد می‌داند و معتقد است که آنارشی می‌تواند دارای فرهنگ‌های متفاوت باشد. به باور ونت، همکاری و منازعه دولت‌ها در چارچوب شناخت مشترک (فرهنگ) معنا پیدا می‌کند، نه در چارچوب ساختارهای مادی. نظریه ونت در روابط بین‌الملل، به ویژه در کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل»، بر اهمیت فرهنگ، هویت و دانش مشترک میان بازیگران (دولت‌ها) برای شکل‌دهی به رفتار و منافع آن‌ها تأکید می‌کند. ونت به عنوان نظریه‌پرداز

برجسته سازه‌انگاری، سه نوع فرهنگ آنارشیک در نظام بین‌الملل را مطرح کرده است: فرهنگ هابزی، فرهنگ لاکی و فرهنگ کانتی. (جدول ۱)

جدول ۱. سه فرهنگ نظریه ونت (ترسیم: نگارندگان)

نام فرهنگ	ویژگی‌های کلیدی	ماهیت رابطه بین دولت‌ها
هابزی	دیدگاه صفرجمعی، انکار حق حاکمیت دیگری، تأکید بر زور و رقابت بقا؛ «بکش یا کشته شو»	دشمنی آشکار، خصومت و احتمال جنگ
لاکی	پذیرش نسبی حق حاکمیت، رقابت در چارچوب قواعد، احترام متقابل ولی با منازعه منطقی	رقابت همراه با مهار منازعه، همکاری محدود
کانتی	روابط دوستانه، حل اختلافات بدون خشونت، امنیت جمعی و هم‌افزایی	همکاری قوی، برادری سیاسی، اتحاد صلح‌آمیز

در فرهنگ هابزی، که برگرفته از نگاه توماس هابز و شرایط «جنگ همه علیه همه» است، دولت‌ها رفتارهایی مبتنی بر رقابت شدید، بی‌اعتمادی و زورمداری دارند. در این فرهنگ، قدرت نظامی اهمیتی زیادی دارد و دولت‌ها برای بقا خود با یکدیگر می‌جنگند و تمایلی به همکاری ندارند (Wendt, 2005: 391). فرهنگ لاکی بر رقابت همراه با احترام به حق حاکمیت دیگر دولت‌ها، موازنه قدرت و امنیت محدود تمرکز دارد. در این فرهنگ، هرچند دولت‌ها ممکن است رقابت و تضاد داشته باشند، اما حداقلی از احترام متقابل وجود دارد و به حقوق دولت‌ها احترام گذاشته می‌شود (Wendt, 2005: 408). این فرهنگ میان وضعیت هابزی خشن و کانتی همکاری جویانه قرار دارد. فرهنگ کانتی فرهنگی است که در آن دولت‌ها به‌رغم اختلافات، منازعات خود را بدون خشونت و جنگ حل می‌کنند و زمینه همکاری جمعی و امنیت دسته‌جمعی فراهم است. در این فرهنگ، دولت‌ها همچون یک تیم عمل می‌کنند و از خشونت دوری می‌جویند (Wendt, 2005: 434).

در نظریه ونت، این فرهنگ‌ها تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها در نظام بین‌الملل هستند و هویت و منافع دولت‌ها در تعاملات بین‌المللی نقش کلیدی دارند. او تأکید می‌کند که برخلاف دیدگاه‌های سنتی که آنارشی را لزوماً به معنی جنگ و درگیری می‌دانند، دولت‌ها و فرهنگ‌هایی که درونی می‌کنند، ساختار و رفتار نظام بین‌الملل را شکل می‌دهند. این مدل نشان می‌دهد که آنارشی لزوماً به معنی ناامنی مطلق یا رقابت خصمانه نیست، بلکه نوعی زمینه نامشخص است که محتوای آن را دولت‌ها ساخته‌اند. ونت معتقد است که اعتبارات هنجاری و نحوه

تعامل دولت‌ها تعیین‌کننده انتقال از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر است. چهار عامل عمده برای دگردیسی ساختاری در فرهنگ آنارشی شناسایی شده‌اند: وابستگی متقابل، سرنوشت مشترک، همگن‌سازی و خودبازداری. این عوامل می‌توانند زمینه‌ساز حرکت از فرهنگ هابزی به لاک‌ی یا حتی از لاک‌ی به کانتی باشند. با این حال، ونت تأکید می‌کند که چنین تغییراتی دشوار هستند و معمولاً با شوک‌های خارجی یا فشار مداوم همراه‌اند. (Lacassagne, 2012)

۴. روابط جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی

روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی در پنج دهه گذشته، تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. پیش از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، ایران در سال ۱۹۷۱ جزایر استراتژیک بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را در تنگه هرمز تحت کنترل خود درآورد. پس از استقلال امارات، مسئله مالکیت این جزایر به یکی از اصلی‌ترین موضوعات اختلافی دو کشور تبدیل شد و تا امروز حل نشده باقی مانده است. این اختلاف همچنان بر فضای سیاسی و امنیتی روابط دوجانبه سایه افکنده است (Safavi, 2020: 78).

پس از انقلاب ۱۹۷۹، گفتمان «صدور انقلاب» و حمایت ایران از برخی جنبش‌های اسلامی، نگرانی‌هایی را در میان دولت‌های محافظه‌کار خلیج فارس، از جمله امارات متحده عربی، ایجاد کرد. با وجود اینکه امارات در مقایسه با کشورهایمانند بحرین و عربستان جمعیت شیعه کمتری داشت، نخبگان سیاسی این کشور نسبت به پیامدهای احتمالی این گفتمان بر ثبات داخلی و موازنه قدرت منطقه‌ای حساس بودند. در نتیجه، این نگرانی‌ها به تقویت روند همگرایی میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس انجامید و نهایتاً در سال ۱۹۸۱ به تشکیل سازمان شورای همکاری خلیج فارس منجر شد؛ نهادی که با هدف هماهنگی سیاسی، امنیتی و اقتصادی و نیز افزایش توان جمعی در برابر چالش‌های منطقه‌ای، از جمله هراس از گفتمان صدور انقلاب ایران، شکل گرفت. در این چارچوب، سیاست خارجی امارات به تدریج در مسیر همسویی با رویکردهای امنیتی مشترک کشورهای عضو و همکاری نزدیک‌تر با قدرت‌های غربی در مدیریت تحولات منطقه‌ای قرار گرفت، هرچند این رویکرد بیش از آنکه ایدئولوژیک باشد، بر پایه ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی استوار بود (Nejat, 2022: 13).

در جریان جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، اعضای شورای همکاری خلیج فارس، از جمله

امارات، عمدتاً از عراق حمایت کردند. با این حال، امارات به دلیل روابط اقتصادی گسترده با ایران، مواضع نسبتاً معتدلی اتخاذ کرد. گرچه ابوظبی رسماً بی طرف بود، اما همراه با عربستان سعودی و کویت به تأمین مالی عراق کمک کرد و رأس الخیمه پیشنهاد اعطای پایگاه‌های هوایی به عراق را مطرح نمود. در مقابل، امارت‌های دبی، شارجه و ام‌القوین روابط تجاری خود با ایران را حفظ کردند، به‌ویژه در حوزه انرژی و نفت، که نقش مهمی در کاهش تنش‌های سیاسی ایفا کرد (Ulrichsen, 2021: 3). در مجموع، در حالی که دبی و دیگر امیرنشین‌ها روابط اقتصادی با ایران را حفظ کردند، ابوظبی سیاست خارجی امارات را با رویکردی سیاسی‌تر و امنیت‌محور نسبت به ایران هدایت می‌کرد.

در دهه ۲۰۱۰، با تشدید بحران‌های منطقه‌ای، روابط دو کشور رو به سردی گذاشت. پس از حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران در سال ۲۰۱۶، امارات نیز سطح روابط دیپلماتیک خود با ایران را کاهش داد و از تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران حمایت کرد. با این حال، در سال ۲۰۱۹ و در اوج تنش‌های ایران و آمریکا، نشانه‌هایی از نزدیکی امنیتی میان تهران و ابوظبی مشاهده شد. سفر هیأت نظامی اماراتی به ریاست علی محمد مصلح الأحبابی به تهران و امضای تفاهم‌نامه «دیپلماسی مرزی» با قاسم رضایی، فرمانده نیروی مرزبانی ایران، بر هماهنگی در شرایط اضطراری تأکید داشت (Yahya, 2019). خروج نیروهای اماراتی از یمن در پایان ۲۰۱۹ نیز به‌عنوان گامی در جهت کاهش تقابل با ایران تعبیر شد.

با این حال، عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل در سال ۲۰۲۰ در قالب توافق ابراهیم، یکی از نقاط عطف مهم در روابط منطقه‌ای ابوظبی محسوب شد و در مقطعی به افزایش حساسیت و تنش در روابط ایران و امارات انجامید. در این دوره، فضای بی‌اعتمادی میان دو کشور تشدید شد؛ به‌گونه‌ای که احضار سفیر ایران در امارات در پی برخی اظهارات تهدیدآمیز مقامات تهران و همچنین احضار سفیر امارات در تهران در واکنش به حادثه مربوط به قایق‌های صیادی، نشان‌دهنده افت محسوس سطح روابط دیپلماتیک بود. با این وجود، در اوج پاندمی کرونا، امارات با ارسال محموله‌های کمک پزشکی به ایران، نشانه‌هایی از مدیریت بحران و جلوگیری از تشدید بیشتر تنش را نشان داد. همچنین گفت‌وگوهای دیپلماتیک میان عبدالله بن زاید، وزیر خارجه امارات، و محمدجواد ظریف، وزیر خارجه وقت ایران، در مقاطع مختلف به حفظ حداقلی از کانال‌های ارتباطی و کنترل تنش کمک کرد، هرچند سطح روابط در این دوره همچنان در پایین‌ترین سطح خود نسبت به سال‌های پیشین قرار داشت.

از سال ۲۰۲۱ و با روی کار آمدن دولت جو بایدن و ابراهیم رئیسی، روابط تهران - ابوظبلی بهبود یافت. امارات در سال ۲۰۲۲ پس از شش سال سفیر خود را به تهران بازگرداند (Ghan-tous, 2021). از سال ۲۰۲۳، همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، کنسولی و سیاسی گسترش یافت. برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی در ابوظبلی در سال ۲۰۲۴، پس از یک دهه وقفه، و دیدار وزرای خارجه دو کشور در مه ۲۰۲۵، نشانه‌هایی از تمایل به تعمیق روابط بین دو کشور همسایه بود (UAE Ministry of Economy, 2024). پیشنهاد ایران برای تشکیل کنسرسیوم هسته‌ای منطقه‌ای با مشارکت امارات متحده عربی و عربستان سعودی نیز بر این تمایل صحنه گذاشت. در سال ۲۰۲۵، با تشدید تنش‌های ایران و اسرائیل، امارات ضمن محکومیت تل‌آویو، حمایت خود را از ثبات منطقه‌ای اعلام نمود (Wintour, 2025). این تحولات نشان‌دهنده حرکت تدریجی دو کشور به سمت مدیریت اختلافات و تقویت همکاری‌های دوجانبه است، گرچه چالش‌های ژئوپلیتیک و اختلافات تاریخی همچنان موانعی جدی پیش‌روی همگرایی عمیق‌تر هستند.

۵. الگوهای حاکم بر روابط ایران و امارات

۵-۱. غلبه فرهنگ هابزی (تقابل و تصاعد تنش)

روابط ایران و امارات متحده عربی در دهه‌های اخیر تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به صحنه‌ای پیچیده از تنش‌های سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک تبدیل شده است. این تنش‌ها، که به شکل‌گیری فرهنگ هابزی در روابط دوجانبه منجر شده‌اند، در سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل بررسی‌اند.

۵-۱-۱. سطح داخلی: مناقشه جزایر سه‌گانه

مناقشه بر سر مالکیت جزایر بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، نیروی محرک اصلی تنش در روابط دوجانبه بوده است. این منازعه قدیمی‌ترین منبع تنش میان ایران و امارات به شمار می‌رود. این جزایر در نوامبر ۱۹۷۱، پیش از خروج نیروهای بریتانیایی از خلیج فارس، تحت کنترل ایران قرار گرفتند. ایران این اقدام را بر اساس توافق با امارت شارجه و همچنین ملاحظات امنیت ملی خود مشروع دانست، اما امارات متحده عربی، که همان سال تأسیس شد، آن را «اشغال» قلمداد کرد و از آن زمان تاکنون بازگرداندن جزایر به حاکمیت خود را از اصول ثابت سیاست خارجی خویش قرار داده است. این منازعه نه تنها در روابط دوجانبه سایه انداخته، بلکه به عاملی ساختاری

برای بی‌اعتمادی تبدیل شده است. از منظر ایران، جزایر یادشده بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو ملی هستند و هیچ مذاکره‌ای بر سر حاکمیت آن‌ها قابل قبول نیست. در مقابل، امارات با بهره‌گیری از حمایت سیاسی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و پشتیبانی‌های بین‌المللی، همواره تلاش کرده است این موضوع را در مجامع منطقه‌ای و جهانی زنده نگه دارد. برای ابوظبی، این منازعه بیش از آنکه مسئله‌ای سرزمینی باشد، به نماد ملی‌گرایی و مشروعیت داخلی تبدیل شده و انعطاف‌پذیری سیاسی در این خصوص برای رهبران امارات دشوار است؛ همین امر موجب استمرار تنش در روابط دو کشور شده است (Nejat, 2022: 13).

پرونده جزایر سه‌گانه را می‌توان از مهم‌ترین مسائل سیاسی و ژئوپلیتیکی میان ایران و امارات دانست که در سال‌های اخیر چالش‌های بزرگی در روابط دو کشور ایجاد کرده است. ایران بر مالکیت واقعی خود بر این جزایر تأکید دارد، در حالی که امارات معتقد است این جزایر از قرن چهاردهم تحت حاکمیت رهبران عرب بوده‌اند. (Sadjadpour, 2011) اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه ریشه‌هایی تاریخی دارد و به قرن هجدهم میلادی بازمی‌گردد و همواره تحت تأثیر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر کرده است (Dhiab, 2012: 38).

ریشه‌های حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه به دوران پادشاهی‌های ایلامی، ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی بازمی‌گردد، اما بریتانیا در سال ۱۹۰۳ این جزایر را به‌عنوان قیم رسمی امارات تصرف کرد و هیچ یک از دولت‌های ایرانی تا سال ۱۹۷۱ این اشغال را نپذیرفتند. (Amirahma-di, 1996: 12) در دهه ۱۹۲۰، ایران بارها خواستار بازگرداندن جزایر شد، اما بریتانیا مخالفت کرد. با اعلام تصمیم بریتانیا برای خروج از منطقه در پایان سال ۱۹۷۱، تهران در دوره محمدرضا شاه پهلوی سریعاً اقدام به بازپس‌گیری جزایر کرد. محمدرضا شاه ابتدا تلاش کرد صقر بن سلطان القاسمی، حاکم رأس‌الخیمه را برای فروش یا اجاره جزایر تنب بزرگ و کوچک متقاعد کند، اما با مخالفت مواجه شد. حاکم شارجه، خالد القاسمی، با امضای تفاهم‌نامه‌ای تحت نظارت بریتانیا در سال ۱۹۷۱ موافقت کرد که بر تقسیم حاکمیت جزیره بوموسی (نیمه شمالی برای ایران و نیمه جنوبی برای شارجه) و تقسیم درآمد نفت آن تأکید داشت. تهران بر اساس این تفاهم، نیروهای خود را در نیمه جزیره بوموسی مستقر کرد و کنترل کامل جزایر تنب بزرگ و کوچک را به دست گرفت (Nejat, 2022: 13).

اختلافات بر سر جزایر از سال ۱۹۹۲ شدت بیشتری گرفت، زمانی که ایران اعلام کرد

اتباع عرب غیراماراتی که به بوموسی سفر می‌کنند، باید کارت مخصوص دریافت کنند؛ امری که دولت امارات با آن مخالفت کرد. ایران این اقدام را مطابق با تفاهم‌نامه شارجه سال ۱۹۷۱ اعلام کرد. (Ramazani, 1972: 56) از آن سال به بعد، مسئله جزایر سه‌گانه باعث شد امارات ایران را در مرکز مسائل امنیتی سیاست خارجی خود قرار دهد. شیخ زاید، مؤسس امارات، اعلام کرد که کشورش مناقشه با ایران را به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد داد. وزیر خارجه امارات نیز این موضوع را در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح کرد، اما با واکنش شدید مقامات ایرانی مواجه شد. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۲۵ دسامبر ۱۹۹۲ خطاب به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس گفت: «برای جداسازی جزایر سه‌گانه از ایران باید از دریای خون‌گذشت.» (Hashemi, 2012). پس از سه دهه، این مناقشه مرزی همچنان ادامه دارد و تأکید امارات بر مالکیت جزایر سه‌گانه در بیانیه‌های پایانی نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب تکرار شده است. ایران نیز همواره بر حاکمیت خود بر جزایر تأکید کرده است. شیخ محمد بن زاید، رئیس امارات و حاکم ابوظبی، مصمم به حل مسئله جزایر به هر روش ممکن است و بارها ایران را به میز مذاکره یا پذیرش دادگاه بین‌المللی دعوت کرده و تأکید نموده این امر امنیت و ثبات منطقه را تقویت خواهد کرد.

۵-۱-۲. سطح منطقه‌ای: تهدیدمحوری و رقابت ژئوپلیتیک

در سطح منطقه‌ای، نقاط عطف متعددی به تشدید تنش‌ها منجر شده‌اند. پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، رویکرد تهدیدمحور امارات نسبت به ایران، به‌ویژه به دلیل گفتمان صدور انقلاب و حمایت تهران از گروه‌های غیردولتی، تقویت شد. تحولات منطقه‌ای مانند سقوط صدام حسین (۲۰۰۳) و انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱) این نگرانی‌ها را تشدید کرد، زیرا نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن از منظر ابوظبی به‌عنوان تهدیدی ترکیبی: نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک تلقی شد.

امارات متحده عربی از تصمیم شورای همکاری خلیج فارس در مورد دخالت نظامی از بحرین در پی اعتراضات سال ۲۰۱۱ موسوم به بهار عربی حمایت کرد. جنگ یمن به‌عنوان یک نیروی محرک کلیدی، میدان اصلی تقابل غیرمستقیم دو کشور بود. امارات با تمرکز بر کنترل بنادر جنوبی یمن و حمایت از شورای انتقالی جنوب، به دنبال محدودسازی نفوذ ایران در دریای عرب و باب‌المندب بود. در مقابل، حمایت ایران از انصارالله، از دیدگاه ابوظبی،

تهدیدی مستقیم علیه منافع راهبردی اش محسوب شد. خروج نیروهای اماراتی از یمن در ۲۰۱۹ نشانه‌ای از تغییر رویکرد بود، اما بازگشت آن‌ها در سال ۲۰۲۲ و مشارکت در نبردهای مأرب و شبوه، تنش‌ها را دوباره افزایش داد. حوادثی مانند تصرف کشتی اماراتی توسط انصارالله در ژانویه ۲۰۲۲ و حملات پهنای به ابوظبی، که رسانه‌های اماراتی، ایران را مسئول آن دانستند، به بی‌اعتمادی دامن زد.

عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل در سال ۲۰۲۰ نقطه عطف دیگری بود که روابط دوجانبه را متأثر کرد. ایران این اقدام را تهدیدی علیه امنیت ملی خود، به‌ویژه به دلیل نظارت احتمالی اسرائیل بر تنگه هرمز، قلمداد کرد. پس از امضای توافق ابراهیم، حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، و محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، و مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به امارات هشدار دادند. روحانی این توافق را «اشتباه بزرگ» خواند و باقری تأکید کرد که ارتش ایران از این پس امارات را با نگاه متفاوتی بررسی خواهد کرد. امارات نیز اعتراض رسمی خود را به سفارت ایران اعلام و تهران را به دخالت در امور داخلی خود متهم کرد. این تنش‌ها منجر به جان باختن صیادان ایرانی توسط نیروی مرزبانی امارات و توقیف یک کشتی اماراتی توسط مرزبانان ایرانی شد. (Nejat, 2022: 12).

این تهدیدها و تنش‌های لفظی بر روابط ایران و امارات با هر سفر مقامات اسرائیلی به امارات سایه افکند، زیرا تهران تصمیم ابوظبی را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. بنابراین گسترش روابط ابوظبی و تل‌آویو می‌تواند سطح همکاری‌های تهران و ابوظبی را کاهش دهد، زیرا ایران حضور اسرائیل در کشورهای همسایه را تهدیدی امنیتی می‌داند. به زعم بسیاری از کارشناسان، یکی از دلایل نزدیکی امارات و اسرائیل، مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران است. توسعه همکاری‌های نظامی و امنیتی بین امارات و اسرائیل، شامل همکاری تسلیحاتی، تمرینات مشترک و بازدید مسئولان نظامی، مانع اصلی بهبود روابط ایران و ابوظبی خواهد بود. ایران هرگونه نزدیک شدن اسرائیل به مرزهای خود را تحمل نخواهد کرد و از زمان اعلام عادی‌سازی روابط، تهدیدهای مکرر علیه امارات ارسال کرده است.

۵-۱-۳. سطح بین‌المللی: نقش قدرت‌های جهانی

در سطح بین‌المللی، وابستگی امنیتی امارات متحده به ایالات متحده و تضاد منافع ایران و آمریکا، نیروی محرک اصلی تنش‌ها بوده است. امارات به‌شدت به چتر امنیتی آمریکا وابسته

و روابط راهبردی مستحکمی با آن دارد، در حالی که ایران آمریکا را دشمن اصلی خود در منطقه می‌داند و حضور نظامی گسترده واشنگتن در امارات را تهدیدی مستقیم علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند. این وابستگی امنیتی ابوظبی به واشنگتن موجب شده است که هرگاه روابط ایران و آمریکا به مرحله بحران برسد، روابط ایران و امارات نیز به شدت متأثر شود و فضای بی‌اعتمادی میان دو طرف افزایش یابد.

ایران همواره خواستار خروج نیروهای آمریکایی از منطقه بوده، در حالی که امارات خواستار ادامه حضور آن‌ها است. برای نمونه، تصمیم آمریکا برای خروج از افغانستان نگرانی و ناراضیاتی در ابوظبی ایجاد کرد. محمد بن زاید به جیک سالیوان، مشاور وقت امنیت ملی آمریکا، اعلام کرد که خروج آمریکا از افغانستان به شدت به امارات آسیب زده و پیشنهاد امضای توافق امنیتی را برای پایداری روابط دو کشور مطرح کرد. پایگاه هوایی الظفره در امارات، میزبان ۵۰۰۰ نیروی آمریکایی، مرکز اصلی حضور آمریکا در کشور است و ناشی از نگرانی‌های امنیتی امارات نسبت به ایران است (Ignatius, 2021). پایگاه هوایی الظفره نمادی وابستگی نظامی و امنیتی امارات متحده عربی به ایالات متحده است (Katzman, 2019).

برنامه هسته‌ای ایران نیز به‌عنوان یک عامل تنش‌زای کلیدی، از دیدگاه امارات تهدیدی برای امنیت منطقه است. امارات متحده عربی برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند و خواستار توقف یا نابودی آن است (منبع جدید، ۲۰۱۰). اسناد ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که عبدالله بن زاید، وزیر خارجه امارات در آوریل ۲۰۰۹ با هیلاری کلینتون دیدار کرده و گفته است: «تهدید جمهوری اسلامی بیش از اسرائیل مردم امارات متحده عربی را نگران می‌کند.» محمد بن زاید، رئیس امارات نیز در ژوئیه ۲۰۰۹ به وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: «یک جنگ سنتی کوتاه‌مدت بهتر از پیامدهای بلندمدت تسلیحات هسته‌ای ایران است» (BBC Arabic, 2010).

با روی کار آمدن دونالد ترامپ، روابط ایران و امارات پیچیده‌تر شد. محمد بن زاید سیاست فشار حداکثری بر ایران را دنبال کرد و امارات در تصمیم ترامپ برای خروج آمریکا از توافق هسته‌ای مشارکت داشت. امارات، خروج آمریکا از برجام در مه ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، به‌ویژه در حوزه صادرات نفت، را تأیید کرد و از جامعه بین‌المللی خواست منطقه را از سلاح‌های هسته‌ای پاک کند. این کشور همچنین با سیاست ایران‌هراسی ترامپ همراه شد و با افزایش ظرفیت تولید

نفت خود، اثر کمبود نفت ایران بر بازار جهانی را کاهش داد (Gopalan, 2018).

در حقیقت می‌توان گفت، متغیرهایی مانند افزایش همکاری‌های نظامی و امنیتی امارات و اسرائیل علیه ایران، تلاش برای تصرف نظامی جزایر سه‌گانه، تشدید بحران یمن و مشارکت نظامیان امارات در عملیات تلافی‌جویانه علیه انصارالله می‌تواند به رویارویی یا درگیری نظامی محدود یا گسترده میان دو کشور منجر شود. در واقع، زمانی که خطوط قرمز تهران شکسته شود، تنش‌ها می‌تواند به درگیری‌های نظامی محدود یا جنگ منطقه‌ای تبدیل شود و فرهنگ هابزی بر روابط دو کشور حاکم گردد.

۵-۲. الگوی دوم: غلبه فرهنگ لاک (رقابت مدیریت شده)

روابط جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی در دهه دوم قرن بیست و یکم تحت تأثیر رقابت‌های منطقه‌ای و تحولات سیاسی، به‌ویژه پس از انقلاب‌های عربی، به سمت فرهنگ لاک (رقابت مدیریت شده) سوق یافته است. این رهیافت، که بر پراگماتیسم و کنترل تنش‌ها استوار است، از نیروهای محرک داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نشأت می‌گیرد.

۵-۲-۱. سطح داخلی: تفاوت‌های ساختاری در امارات

ساختار فدرالی امارات متحده عربی، متشکل از هفت امارت (ابوظیبی، دبئی، شارجه، عجمان، فجیره، ام‌القوین و رأس‌الخیمه)، نقش کلیدی در شکل‌گیری رویکرد پراگماتیک به روابط با ایران ایفا کرده است. امارت‌های دبئی و شارجه، برخلاف ابوظیبی که رویکردی امنیت‌محور و سخت دارد، به دلیل وابستگی به تجارت و اقتصاد غیرنفتی، گرایش بیشتری به تعامل با ایران نشان داده‌اند. برای نمونه، در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق، دبئی، شارجه و ام‌القوین تجارت خود با ایران را حفظ کردند، در حالی که ابوظیبی، رأس‌الخیمه، عجمان و فجیره از عراق حمایت کردند (Ulrichsen, 2021: 4). این تفاوت‌ها در دوران معاصر نیز ادامه یافته است. به عنوان مثال در پرونده هسته‌ای ایران، اختلاف آشکاری بین ابوظیبی و دبئی وجود دارد. ابوظیبی خواهان فشار به واشنگتن برای اعمال فشار اقتصادی بر تهران است، در حالی که دبئی بر ادامه مذاکرات با ایران تأکید دارد. اختلافات داخلی امارات، به‌ویژه پس از کاهش سلامت شیخ خلیفه بن زاید در سال ۲۰۱۴ و مدیریت سیاست خارجی این کشور توسط محمد بن زاید، ولیعهد وقت ابوظیبی، تشدید شد (Young, 2015: 11).

علاوه بر این، پیامدهای انقلاب‌های عربی موجب تشدید اختلافات بین رویکرد پراگماتیک و تجاری دبی با ایران و رویکرد امنیت‌محور و سخت‌ابوظبئی در مسائل منطقه‌ای شد. ولیعهد ابوظبئی که به شدت به اقتصاد نفتی وابسته است، سیاست امارات را بر اساس اهداف نظامی و سیاسی مدیریت می‌کند. سیاست‌های تهاجمی ابوظبئی، مانند مشارکت در ائتلاف عربی علیه یمن، با انتقاد دبی مواجه شد که به اقتصاد تجاری و روابط با ایران اولویت می‌دهد. این نیروی محرک داخلی، ابوظبئی را به کاهش تنش‌ها و اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه‌تر در قبال تهران ترغیب کرده است.

۵-۲-۲. سطح منطقه‌ای: کاهش تنش‌ها و رقابت کنترل‌شده

در سطح منطقه‌ای، نقاط عطف متعددی به شکل‌گیری و تشدید الگوهای رقابتی در روابط جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی کمک کرده‌اند. تحولات موسوم به «انقلاب‌های عربی» در سال ۲۰۱۱ و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سوریه، یمن و عراق، روابط دو کشور را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار داد. امارات، در چارچوب تلاش برای مهار گسترش ناآرامی‌ها، محدود کردن نفوذ جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی به‌ویژه اخوان المسلمین و نیز مدیریت رقابت منطقه‌ای با ایران و ترکیه، به اتخاذ رویکردی فعال‌تر و بعضاً مداخله‌جویانه در سیاست منطقه‌ای روی آورد. در همین راستا، سیاست خارجی این کشور در دوره رهبری محمد بن زاید به‌طور کلی با هرگونه قرائت سیاسی از اسلام‌گرایی که بتواند به بسیج اجتماعی یا تغییر نظم سیاسی منجر شود، مخالفت داشته و آن را تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای تلقی کرده است (Nejat, 2022: 25).

در جنگ سوریه، ابوظبئی ابتدا از برخی جریان‌های مخالف دولت بشار اسد حمایت کرد، اما از سال ۲۰۱۷ به دلایل اقتصادی و محاسبات سیاسی به تدریج به سمت عادی‌سازی روابط با دمشق حرکت کرد (Nejat, 2025: 293). همچنین قطع روابط ایران و عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ نیز بر محاسبات امنیتی امارات اثر گذاشت و در مقطعی به کاهش سطح روابط دیپلماتیک میان تهران و ابوظبئی انجامید (Steinberg, 2020).

با این حال، سرگیری روابط ایران و عربستان در ۲۰۲۳ و کاهش تنش‌های منطقه‌ای، امارات را به بازنگری در سیاست خارجی خود واداشت. نگرانی ابوظبئی از حملات احتمالی انصارالله، که از نظر امارات تحت حمایت همه‌جانبه ایران است، نیز عاملی کلیدی بود. سفر هیئت نظامی اماراتی به تهران در ۲۰۱۹ و امضای تفاهم‌نامه «دیپلماسی مرزی» نشانه‌ای از این تغییر بود. در

پی این سفر، انصارالله حملات به امارات را تعلیق کرد، که به کاهش عدم قطعیت‌های امنیتی کمک کرد.

۵-۲-۳. سطح بین‌المللی: تأثیر تحولات جهانی

در سطح بین‌المللی، تغییر سیاست آمریکا در قبال خلیج فارس پس از روی کار آمدن جو بایدن در ۲۰۲۱ نیروی محرک مهمی در گرایش امارات به رقابت مدیریت‌شده بود. شکست سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ و تمایل بایدن به احیای برجام، ابوظبی را به بازنگری در رویکرد تقابلی خود سوق داد. امارات همچنین روابط خود با قطر، سوریه و ترکیه را بهبود بخشید تا جایگاه خود را به‌عنوان بازیگری متوازن و سازنده در منطقه تقویت کند. سفر طحنون بن زاید، مشاور امنیت ملی امارات، به تهران در ۲۰۲۱، نشانه‌ای از این تغییر رویکرد بود.

در چارچوب فرهنگ لاکی، روابط ایران و امارات در آینده احتمالاً در قالب تعادل شکننده بین همکاری اقتصادی و اختلافات سیاسی-امنیتی ادامه خواهد یافت. در صورتی که روابط امارات با اسرائیل به همکاری نظامی مستقیم علیه ایران منجر نشود، دو کشور می‌توانند با مدیریت تنش‌ها از درگیری مستقیم اجتناب کنند. نقاط عطف محتمل شامل ادامه دیپلماسی پراگماتیک، تقویت تجارت دوجانبه (به‌ویژه از طریق دبی) و هماهنگی در مسائل امنیتی منطقه‌ای است. با این حال، عدم قطعیت‌های کلیدی، مانند تشدید تنش‌های ایران و آمریکا یا تحولات در یمن، می‌توانند این تعادل را به خطر اندازند.

۵-۳. الگوی سوم: غلبه فرهنگ کانتی (دوستی و همکاری فزاینده)

الگوی غلبه فرهنگ کانتی، که بر همکاری دوستانه و وابستگی متقابل استوار است، روابط ایران و امارات متحده عربی را به سطحی از تعاملات پایدار و سازنده سوق می‌دهد. این رهیافت، که از نیروهای محرک اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای نشأت می‌گیرد، در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل می‌شود. در ادامه، نقاط عطف و عوامل شکل‌دهنده این چشم‌انداز بررسی شده و پیامدهای آن تشریح می‌شود.

۵-۳-۱. سطح داخلی: وابستگی اقتصادی متقابل

وابستگی اقتصادی متقابل، نیروی محرک کلیدی در تقویت همکاری‌های ایران و امارات در سال‌های گذشته بوده است. با وجود تنش‌های سیاسی، روابط دیپلماتیک دو کشور همواره

در سطح مشخصی باقی مانده است. علت استمرار این روابط، وابستگی اقتصادی متقابل و ساختار فدرالی امارات است. دبی، به عنوان مرکز تجاری امارات، سال‌ها نقش دروازه اقتصادی ایران به جهان را ایفا کرده و از این رو، به «ریه اقتصادی ایران» تشبیه شده است (Gardner, 2014). بر اساس اطلاعات و آمار موجود، حدود ۸۰۰۰ شرکت ایرانی در امارات متحده عربی فعالیت دارند و این کشور پس از چین، دومین شریک تجاری ایران به شمار می‌رود (Al-Najjar, 2018). همچنین برآوردها نشان می‌دهد حجم سرمایه‌گذاری ایرانیان در امارات، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار بوده که از این حیث پس از ایالات متحده در رتبه دوم قرار می‌گیرد (Abu Rizq, 2021). حجم صادرات امارات به ایران در سال‌های گذشته بین ۲۲ تا ۲۵ میلیارد دلار در سال در نوسان بوده است. با وجود امضای توافق‌های عادی‌سازی روابط میان امارات و اسرائیل، روابط اقتصادی با ایران نه تنها کاهش نیافت، بلکه روندی رو به رشد و قابل توجه را تجربه کرده است. در همین چارچوب، حجم تجارت دوجانبه از حدود ۱۴.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۲۷ میلیارد دلار در بازه زمانی ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵ افزایش یافته است. از سوی دیگر، امارات متحده عربی حدود ۹۰ درصد از حجم کل تجارت میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران را به خود اختصاص داده است. همچنین بخش عمده مبادلات اقتصادی ایران و امارات، در حدود ۹۰ درصد، از طریق امارت دبی انجام می‌شود (Nejat, 2026).

ساختار فدرالی امارات نیز به تقویت این همکاری‌ها کمک کرده است. برخلاف ابوظبی که رویکردی امنیتی دارد، برخی امارت‌ها به دلیل وابستگی به اقتصاد غیرنفتی، بر همکاری‌های اقتصادی و تعاملات تجاری با تهران تأکید دارند. البته بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و تأثیر پاندمی کرونا، اقتصاد دبی را تحت فشار قرار داد. کاهش گردشگران خارجی از ۱۶.۷۳ میلیون نفر در ۲۰۱۹ به ۵.۵۱ میلیون نفر در ۲۰۲۰ و هزینه‌های بالای مداخلات نظامی ابوظبی در یمن و لیبی، امارات را به سمت دیپلماسی اقتصادی سوق داده است (Hatem, 2021). این نقطه عطف، ابوظبی را به بازنگری در سیاست‌های تقابلی و تقویت همکاری با ایران ترغیب کرده است. ثروت ایرانیان در امارات بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از دارایی‌های مادی کشور را شامل می‌شود. به همین دلیل، حاکم دبی، محمد بن راشد آل مکتوم، در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی در سال ۲۰۱۴ اظهار داشت: «ایران همسایه ما است و نمی‌خواهیم مشکلی ایجاد شود، اما اگر ایران با آمریکا به توافق برسد و تحریم‌ها برداشته شود، برای همه مفید خواهد بود.» (Gardner, 2014).

۵-۳-۲. سطح منطقه‌ای: کاهش تنش‌های ژئوپلیتیک

در سطح منطقه‌ای، کاهش تنش‌های ژئوپلیتیک به‌عنوان یک نیروی محرک کلیدی، بستر لازم برای تحقق الگوی فرهنگ کانتی (دوستی و همکاری فزاینده) در روابط ایران و امارات متحده عربی را فراهم کرده است. این تحولات، که از نقاط عطف مهمی مانند خروج نیروهای نظامی امارات از یمن و بهبود روابط ایران و عربستان سعودی نشأت می‌گیرند، به همراه نقش میانجی‌گرانه سایر بازیگران منطقه‌ای، چشم‌اندازی برای همکاری‌های پایدار منطقه‌ای ترسیم می‌کنند. در ادامه، عوامل اصلی، نقاط عطف و عدم قطعیت‌های کلیدی این روند بررسی می‌شوند.

بحران یمن، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین میدان‌های تقابل غیرمستقیم ایران و امارات، نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط دوجانبه ایفا کرده است. امارات در سال‌های ابتدایی جنگ یمن (۲۰۱۵-۲۰۱۹) با پیوستن به ائتلاف عربی به رهبری عربستان، به دنبال محدودسازی نفوذ ایران از طریق حمایت از شورای انتقالی جنوب و کنترل بنادر استراتژیک مانند عدن بود. با این حال، هزینه‌های بالای نظامی و اقتصادی این مداخله، همراه با حملات پهبادی و موشکی انصارالله به تأسیسات اماراتی، ابوظبی را به بازنگری در سیاست‌های خود واداشت. خروج نیروهای اماراتی از یمن در سال ۲۰۱۹، نقطه عطف مهمی بود که نشانه‌ای از چرخش به سمت دیپلماسی و پرهیز از عملیات تلافی‌جویانه علیه انصارالله محسوب می‌شود. علاوه بر این، مذاکرات صلح یمن که از سال ۲۰۲۳ با میانجی‌گری عمان و سازمان ملل شدت گرفت، به کاهش تنش‌های منطقه‌ای منجر شد. امارات، با فاصله‌گیری از رویکرد تهاجمی ریاض و تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی، نقش سازنده‌تری در مذاکرات ایفا کرد. این تحول، همراه با تعلیق حملات انصارالله به امارات، زمینه را برای اعتمادسازی متقابل بین تهران و ابوظبی فراهم کرد. در آینده، تداوم آتش‌بس در یمن و مشارکت ایران و امارات در پروژه‌های بازسازی این کشور می‌تواند به‌عنوان نیروی محرک همکاری‌های منطقه‌ای عمل کند.

از سرگیری روابط دیپلماتیک ایران و عربستان در مارس ۲۰۲۳، با میانجی‌گری چین، نقطه عطف دیگری در کاهش تنش‌های منطقه‌ای بود. این توافق نه تنها به بهبود روابط تهران و ریاض منجر شد، بلکه امارات متحده عربی را نیز به بازنگری در سیاست‌های تقابلی خود واداشت. ابوظبی، که به‌طور سنتی هم‌راستا با ریاض عمل می‌کند، از این تحول به‌عنوان فرصتی برای تقویت دیپلماسی منطقه‌ای استفاده کرد. دیدارهای مکرر مقامات ایرانی و اماراتی، از

جمله سفر طحنون بن زاید، مشاور امنیت ملی امارات، به تهران در ۲۰۲۱ و برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی در ابوظبی در ۲۰۲۴، نشانه‌هایی از این همگرایی هستند.

بازنگری در روابط با اسرائیل می‌تواند تاثیر به‌سزایی بر روابط تهران و ابوظبی برجای گذارد. عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل در چارچوب توافق ابراهیم که به همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی و اطلاعاتی بین ابوظبی و تل‌آویو منجر شد، روابط ایران و امارات را در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱ به پایین‌ترین سطح رساند. با این حال، کاهش سطح همکاری‌های نظامی با اسرائیل یا بازنگری در تعهدات توافق ابراهیم می‌تواند نقطه عطف مهمی برای بهبود روابط دوجانبه باشد.

امارات، که از سال ۲۰۲۳ به دلیل فشارهای اقتصادی و نیاز به ثبات منطقه‌ای رویکردی پراگماتیک‌تر اتخاذ کرده، ممکن است تحت متغیرهای متعدد روابط خود با اسرائیل را به همکاری‌های اقتصادی و غیرنظامی محدود کند. این تغییر، به‌ویژه در صورت کاهش تنش‌های ایران و اسرائیل، می‌تواند به اعتمادسازی با تهران کمک کند. برای نمونه، کاهش سطح روابط ابوظبی و تل‌آویو می‌تواند از نگرانی‌های امنیتی ایران بکاهد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای دوجانبه و تقویت روابط دیپلماتیک شود.

۵-۳-۳. سطح بین‌المللی: تأثیر تحولات جهانی

در سطح بین‌المللی، آینده توافق هسته‌ای ایران و روابط تهران و واشنگتن، عامل تعیین‌کننده در آینده روابط تهران و ابوظبی است. امارات با وجود اتحاد استراتژیک با ایالات متحده و تحت تأثیر نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران، سیاست همکاری و هماهنگی با واشنگتن را دنبال می‌کند. به عنوان مثال، ابوظبی از سیاست‌های دونالد ترامپ در قبال ایران و فشار حداکثری حمایت کرد، اما پس از ورود جو بایدن به قدرت، تلاش کرد سیاست‌های منطقه‌ای خود را با دولت جدید آمریکا هماهنگ کند. روابط استراتژیک ابوظبی و واشنگتن موجب شده است که سطح روابط ایران و امارات تحت تأثیر سیاست‌ها و استراتژی‌های آمریکا باشد.

به‌عنوان نمونه، با کاهش تنش‌ها میان آمریکا و ایران پس از توافق هسته‌ای و لغو بخشی از تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری‌های ایرانی در امارات افزایش یافت و حجم تجارت دو کشور رشد کرد. در پایان مارس ۲۰۱۸، حجم تجارت غیرنفتی بین ایران و امارات به

۱۶.۸۳ میلیارد دلار رسید؛ ایران بیش از ۱۰ میلیارد دلار کالا از امارات وارد و بیش از ۶ میلیارد دلار صادر کرد. صادرات امارات به ایران نیز در سال مالی ۲۰۱۷-۲۰۱۸ حدود ۵۷ درصد رشد داشت. با این حال، بازگشت تحریم‌ها پس از خروج ترامپ از برج‌ام موجب کاهش حجم سرمایه‌گذاری و تجارت شد. (Gopalan, 2018) این امر نشان می‌دهد روابط تهران و ابوظبی تحت تأثیر متغیرهای بین‌المللی، به‌ویژه روابط ایران و واشنگتن، قرار دارد.

در صورت موفقیت مذاکرات هسته‌ای و لغو تحریم‌های آمریکا علیه ایران در آینده، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و امارات بهبود خواهد یافت؛ در غیر این صورت، وضعیت معکوس ادامه خواهد داشت. نتایج غلبه فرهنگ کانتی بر روابط ایران و امارات، شامل افزایش همکاری اقتصادی، ارتقای روابط دیپلماتیک، رشد تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه پروژه‌های منطقه‌ای و زیرساخت‌ها و ایجاد فضایی نسبتاً آرام و پایدار در خلیج فارس خواهد بود.

در الگوی فرهنگ کانتی، روابط ایران و امارات به سمت همکاری پایدار پیش خواهد رفت. نقاط عطف محتمل شامل حل دیپلماتیک مناقشه جزایر، توسعه پروژه‌های مشترک اقتصادی مانند ترانزیت منطقه‌ای از طریق ایران و تقویت دیپلماسی دوجانبه است. در سطح داخلی، پرونده جزایر سه‌گانه نقش مهمی در آینده روابط ایران و امارات خواهد داشت. این موضوع طی دهه‌های گذشته عاملی منفی در روابط دو کشور بوده است. ایران تأکید دارد که مالکیت بر جزایر غیرقابل مذاکره است، زیرا بخشی جدایی‌ناپذیر از خاک کشور محسوب می‌شود، و هرگونه اظهارات امارات در این زمینه، دخالت در امور داخلی ایران است. از سوی دیگر، امارات این اختلاف را یک‌جانبه به سازمان ملل عرضه کرده و اعلام کرده که از برخورد نظامی با یک کشور همسایه اجتناب خواهد کرد و پرونده همچنان در دستور کار شورای امنیت باقی مانده است تا از طریق گفت‌وگو یا داوری بین‌المللی، راه‌حلی عادلانه و پایدار حاصل شود. بنابراین، حل پرونده جزایر می‌تواند در آینده به بهبود روابط دو کشور منجر شود. پیامدهای این سناریو شامل افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری، ارتقای روابط دیپلماتیک، توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای و ایجاد ثبات نسبی در خلیج فارس خواهد بود. با این حال، عدم قطعیت‌های کلیدی، مانند تشدید تنش‌های ایران و آمریکا یا تحولات غیرمنتظره در یمن، می‌توانند این چشم‌انداز را به چالش بکشند. (جدول ۲)

جدول ۲. سه الگوی روابط جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی (ترسیم: نگارندگان)

الگو	ویژگی‌ها و عدم قطعیت‌ها	پیامدهای سیاسی	پیامدهای اقتصادی	ویژگی‌ها و ریسک‌ها
۱	<ul style="list-style-type: none"> • خاتمه اختلافات ارضی و بسته شدن پرونده جزایر سه‌گانه • پایان یافتن بحران یمن • قطع یا مدیریت محدود روابط امارات با اسرائیل • پیشرفت مذاکرات هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> • ارتقای سطح روابط دیپلماتیک • ایجاد فضای پایدار در خلیج فارس 	<ul style="list-style-type: none"> • رشد تجارت و سرمایه‌گذاری • افزایش همکاری‌های اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> • ارتقای روابط سیاسی اما بدون ائتلاف استراتژیک • تمرکز بر منافع اقتصادی و کاهش تنش‌ها
۲	<ul style="list-style-type: none"> • تداوم اختلافات و باز بودن پرونده جزایر سه‌گانه • استمرار بحران یمن • تقویت همکاری امارات با اسرائیل • کند شدن مذاکرات هسته‌ای و استمرار تحریم‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> • روابط سیاسی پرتنش و حساس • دیپلماسی مدیریت‌شده محدود • افزایش رقابت در حوزه امنیتی خلیج فارس 	<ul style="list-style-type: none"> • تبادل اقتصادی محدود • تحت تأثیر فشارهای منطقه‌ای و تحریم‌های بین‌المللی 	<ul style="list-style-type: none"> • روابط شکننده بین همکاری و تنش • احتمال گسترش اختلافات سیاسی به حوزه اقتصادی
۳	<ul style="list-style-type: none"> • اقدامات نظامی امارات علیه جزایر • تقویت همکاری نظامی امارات با اسرائیل علیه ایران • تشدید بحران یمن با نقش آفرینی نظامی امارات • شکست مذاکرات هسته‌ای و تشدید تحریم‌ها • افزایش حضور امنیتی آمریکا در منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> • قطع روابط سیاسی • درگیری نظامی محدود یا گسترده 	<ul style="list-style-type: none"> • آسیب جدی به تجارت و سرمایه‌گذاری • رکود اقتصادی و افزایش هزینه‌های امنیتی در دو کشور • کاهش تعاملات اقتصادی دو جانبه و منطقه‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> • احتمال جنگ محدود یا درگیری نیابتی • تشدید ناامنی اقتصادی و نظامی برای امارات • عبور از خطوط قرمز تهران و افزایش هزینه‌ها

برآیند الگوها و متغیرها فوق نشان می‌دهد که روابط ایران و امارات چندبُعدی، متناقض و پویا است. از یک طرف، اختلافات تاریخی، نگرانی‌های امنیتی و هم‌پیمانی‌های فرامنطقه‌ای، زمینه‌های تصاعد تنش را تقویت می‌کند و از سوی دیگر، پیوندهای اقتصادی، جغرافیای مشترک و الزامات ثبات منطقه‌ای، ظرفیت‌های همکاری را زنده نگه می‌دارد.

۶. نتیجه‌گیری

روابط ایران و امارات متحده عربی ماهیتی پیچیده و چندبُعدی دارد که در آن هم‌زمان می‌توان همگرایی اقتصادی و واگرایی سیاسی را مشاهده کرد. با وجود تنش‌های مقطعی، این روابط در هیچ دوره‌ای به قطع کامل منجر نشده و همواره در سطحی از تعامل دیپلماتیک ادامه یافته است. این استمرار نشان‌دهنده آن است که پیوندهای ژئواقتصادی و ملاحظات راهبردی، نقش مهمی در جلوگیری از گسست کامل روابط ایفا کرده‌اند. در عین حال، روابط دو کشور در بستر مجموعه‌ای از عوامل امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی شکل گرفته است. اختلافات سیاسی، وضعیت روابط ایران با قدرت‌های غربی، سطح همکاری‌های امارات با آمریکا و اسرائیل، تحولات امنیتی خلیج فارس، و نوسانات اقتصادی ناشی از بازار انرژی، همگی از متغیرهای

اثرگذار بر مسیر این روابط به شمار می‌روند.

از منظر نظری، روابط ایران و امارات را می‌توان در قالب ترکیبی از الگوهای رقابت و همکاری تحلیل کرد. بخشی از این روابط تحت تأثیر بی‌اعتمادی، رقابت امنیتی و موازنه قدرت قرار دارد، در حالی که دوره‌های کاهش تنش و گسترش همکاری‌های اقتصادی، بیانگر ظرفیت همزیستی محدود و تعامل عمل‌گرایانه میان دو کشور است. با این حال، هیچ‌یک از این الگوها به تنهایی قادر به توضیح کامل این روابط نیستند و واقعیت موجود بیشتر در قالب «رقابت مدیریت‌شده همراه با تعامل تاکتیکی» قابل فهم است.

در این چارچوب، روابط ایران و امارات نه در قالب همکاری پایدار و نه در قالب تقابل فراگیر تعریف می‌شود، بلکه در وضعیتی میان این دو قرار دارد. از یک سو، ضرورت‌های اقتصادی و ژئواقتصادی مانع از قطع کامل روابط می‌شوند و از سوی دیگر، اختلافات ارضی، امنیتی و منطقه‌ای، از جمله پرونده جزایر سه‌گانه، تحولات یمن، و سطح همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امارات، از جمله عادی‌سازی روابط با اسرائیل در قالب «توافق ابراهیم» و گسترش همکاری‌های امنیتی و نظامی با ایالات متحده و اسرائیل، مانع شکل‌گیری اعتماد راهبردی پایدار میان دو کشور هستند. بنابراین، الگوی غالب در روابط دو کشور، استمرار نوعی وابستگی متقابل همراه با تعارض است که در آن همکاری و رقابت به‌طور هم‌زمان وجود دارد.

با توجه به این شرایط، مدیریت تنش و حفظ کانال‌های ارتباطی به یک ضرورت راهبردی تبدیل شده است. تقویت سازوکارهای گفت‌وگو و گوی منطقه‌ای، توسعه همکاری‌های اقتصادی در حوزه‌های غیرحساس، و پرهیز از امنیتی‌سازی کامل روابط می‌تواند به کاهش سطح تنش کمک کند. همچنین بهره‌گیری از ظرفیت میانجی‌گری بازیگران منطقه‌ای و گسترش دیپلماسی اقتصادی و غیررسمی می‌تواند نقش مؤثری در حفظ و تثبیت ارتباطات ایفا کند. در سطح عملی، حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، گردشگری، آموزش، بهداشت و نیز کریدورهای حمل‌ونقل منطقه‌ای از جمله ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند به گسترش همکاری‌های دوجانبه کمک کنند. در این میان، پروژه‌هایی نظیر کریدور شمال - جنوب نیز می‌توانند زمینه‌ساز افزایش هم‌پیوندی اقتصادی و تقویت نقش ترانزیتی ایران و امارات در اتصال خلیج فارس به قفقاز و آسیای مرکزی شوند.

در مجموع، روابط ایران و امارات در وضعیتی از «رقابت کنترل‌شده همراه با همکاری

محدود» قرار دارد؛ وضعیتی که در آن، هرچند امکان تنش‌زایی همچنان وجود دارد، اما منطق هزینه - فایده و ضرورت‌های ژئواقتصادی، دو کشور را به سمت حفظ حداقلی از تعامل و اجتناب از تقابل مستقیم سوق می‌دهد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Abu Rizq, M. (2021, June 18). *What is the volume of economic relations between Iran and the UAE?* Khaleej Online. <http://khaleej.online/ZWrAqa> [In Arabic]
- Al-Najjar, M. (2018, May 24). *The UAE and Iran: Details of the umbilical cord relationship.* Al Jazeera Net. <https://www.aljazeera.net/news/2018/5/24/> [In Arabic]
- Amirahmadi, H. (1996). *Small islands, big politics: The Tonbs and Abu Musa in the Persian Gulf* (p. 12). Palgrave Macmillan.
- BBC Arabic. (2010, December 1). *Key issues in the WikiLeaks documents.* BBC Arabic. https://www.bbc.com/arabic/middleeast/2010/12/101201_wikileaks_iran [In Arabic]
- Dhiab, F. (2012). *Contemporary global issues: Social, economic and political.* Al-Janadriyah Publishing. [In Arabic]
- Gardner, F. (2014, July 7). *Gulf states divided over lifting sanctions on Iran.* BBC Arabic. https://www.bbc.com/arabic/business/2014/07/140707_iran_sanctions_gulf [In Arabic]
- Ghantous, G. (2021, June 9). *Resigned to a nuclear deal revival, Gulf engages with foe Iran.* Reuters. <https://www.reuters.com/world/middle-east/resigned-nuclear-deal-revival-gulf-engages-with-foe-iran-2021-06-09/>
- Gopalan, S. (2018, May 7). *UAE stance on Iran nuclear deal offers lessons to West.* Khaleej Times. <http://www.khaleejtimes.com/editorials-columns/uae-stance-on-iran-nuclear-deal-offers-lessons-to-west>
- Hashemi Rafsanjani, A. A. (2012). *If You Want the Three Islands, You Must Cross a Sea of Blood.* Entekhab News Agency. News Code: 59431. [In Persian]
- Hatem, A. (2021, May 3). *Inbound tourism to Dubai declined by 67.2% in the first quarter.* Anadolu Agency. <https://www.aa.com.tr/ar/2228123> [In Arabic]
- Ignatius, D. (2021, October 5). *How regional realignments are helping depres-*

- surize the Middle East. The Washington Post. <https://www.washingtonpost.com/opinions/2021/10/05/how-regional-realignments-are-helping-depressurize-middle-east/>
- Katzman, K. (2019). *The United Arab Emirates (UAE): Issues for U.S. policy*. Congressional Research Service.
- Klotz, A., & Lynch, C. (2006). Moving beyond the agent–structure debate. *International Studies Review*, 8, 355–381.
- Lacassagne, A. (2012, July). Cultures of anarchy as figurations: Reflections on Wendt, Elias and the English School. *Human Figurations*, 1(2). <http://hdl.handle.net/2027/spo.11217607.0001.207>
- Moshirzadeh, H. (2005). *Transformations in international relations theories*. SAMT Publications. [In Persian]
- Nejat, A. (2022, September 1). *Dynamics of UAE foreign policy toward regional conflicts*. Sharq Center for Strategic Research. <https://research.sharqforum.org/ar/2022/09/01> [In Arabic]
- Nejat, A. (2025). The UAE's foreign policy strategy in the Syrian crisis, 2011–2024. *Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(23), 292–314. <https://doi.org/10.22034/fasiw.2025.494048.1412> [In Persian]
- Nejat, A. (2026, May 26). *Decoding the Iran–UAE Relationship: Has the Era of “Economy First” Come to an End?* Raseef22. <https://raseef22.net/article/1102026> [In Arabic]
- Political Studies Unit. (2019, August 8). *Features of the transformation in UAE policy: Causes and motives*. Arab Center for Research and Policy Studies. <https://www.dohainstitute.org/ar/PoliticalStudies/Pages/Features-of-UAE-Policy-Transformation-Causes-and-Motives.aspx> [In Arabic]
- Ramazani, R. K. (1972). *The Persian Gulf: Iran's role* (2nd printing). University Press of Virginia.

- Sadjadpour, K. (2011, July). *The Battle of Dubai: The United Arab Emirates and the U.S.-Iran Cold War*. Carnegie Endowment. https://carnegieendowment.org/files/dubai_iran.pdf
- Safavi, H. (2020). *Geopolitical crises in West Asia and North Africa*. University of Tehran Press & Institute for Future Studies of the Islamic World. [In Persian]
- Smith, S. (1995). The self images of a discipline: A genealogy of international relations. In K. Booth & S. Smith (Eds.), *International relations theory today*. Polity Press.
- Steinberg, G. (2020, July 10). *Regional power United Arab Emirates: Abu Dhabi is no longer Saudi Arabia's junior partner*. <https://www.ssoar.info/ssoar/handle/document/69341>
- UAE Ministry of Economy. (2024, May 2). *UAE and Iran hold first session of Joint Economic Committee to promote cooperation in new economy sectors, tourism, transport, entrepreneurship & renewable energy*. <https://www.moet.gov.ae/en/-/uae-and-iran-hold-first-session-of-joint-economic-committee-to-promote-cooperation-in-new-economy-sectors-tourism-transport-entrepreneurship-renewable-energy>
- Ulrichsen, K. C. (2021, December 12). *Restoring balance to UAE-Iran relations*. Arab Center for Research and Policy Studies. <https://www.dohainstitute.org/ar/PoliticalStudies/Pages/Restoring-Balance-to-UAE-Iran-Relations.aspx> [In Arabic]
- Wendt, A. (2005). *Social theory of international politics* (H. Moshirzadeh, Trans.). Institute for Political and International Studies. [In Persian]
- Wintour, P. (2025, May 13). *Iran proposes partnership with UAE and Saudi Arabia to enrich uranium*. The Guardian. <https://www.theguardian.com/world/2025/may/13/iran-proposes-partnership-with-uae-and-saudi-arabia-to-enrich-uranium>
- Yahya, A. (2019, August 2). *UAE-Iran relations: Rapprochement or repositioning?*

Arabi21. <https://arabi21.com/story/1198452> [In Arabic]

Young, K. E. (2015). Foreign policy analysis of the Gulf Cooperation Council: Breaking black boxes and explaining new interventions. In *The New Politics of Intervention of Gulf Arab States* (Vol. 1). LSE Middle East Centre.

Zweiri, M., & Abusharar, N. (2022). Iran's trade with neighbors: Sanctions' impact and the alternatives. *Middle East Policy*, 29, 60–70. <https://doi.org/10.1111/mepo.12663>